

تحلیلی بر مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی در شهر نوشهر

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۳/۰۲/۰۸

سید هادی حسینی* (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)
خدیجه باقریان (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)

چکیده:

کیفیت زندگی یکی از مفاهیم مهمی است که در دهه‌های اخیر به عنوان هدف نهایی تمامی نظریه‌ها و برنامه‌های شهری مورد توجه مسئولان و اندیشمندان قرار گرفته است. هدف اصلی این تحقیق که در محدوده‌ی شهر نوشهر انجام گرفته است، شناسایی مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی در محدوده‌ی مورد مطالعه و سنجش سطح کیفیت زندگی شهروندان نوشهر می‌باشد. روش‌شناسی تحقیق، روشی ترکیبی است که در آن از روش توصیفی برای بررسی ادبیات و مبانی نظری تحقیق و از روش کمی - تحلیلی برای شناخت روابط علی و همبستگی میان متغیرها و عوامل تحقیق استفاده شده است. گردآوری داده‌های اصلی نیز مبتنی بر روش‌های پیمایشی (پرسشنامه) می‌باشد. یافته‌های حاصل از تحقیق گویای آن هستند که مؤلفه‌های سازنده بعد عینی کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه در برگیرنده ۶ عامل یا مؤلفه شامل همبستگی و تعاملات اجتماعی، شرایط اقتصادی، دسترسی به امکانات و خدمات، وضعیت کالبدی، امنیت محیطی و مشارکت در امور می‌باشند که در مجموع ۵۳/۲ درصد کل واریانس متغیر وابسته کیفیت زندگی در بعد عینی را تبیین می‌کنند. در بعد ذهنی نیز مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی شهر نوشهر در برگیرنده ۵ عامل به ترتیب اهمیت شامل احساس ارزشمند بودن، حس تعلق مکانی، بهزیستی ذهنی، شبکه اجتماعی و احساس امنیت می‌باشند که در مجموع ۶۰/۹۸ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق یعنی کیفیت زندگی در بعد ذهنی را تبیین می‌کنند. همچنین تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص تجمعی کیفیت زندگی نشان دادند که در بعد عینی امتیاز به دست آمده برابر با ۲/۷۲۶ و در بعد ذهنی امتیاز حاصل برابر با ۲/۳۸۹ می‌باشد که از میانه نظری داده‌ها یعنی (۳) پایین‌تر می‌باشند. بر این اساس، هم در بعد عینی و هم در بعد ذهنی کیفیت زندگی شهروندان شهر نوشهر از وضعیت چندان مناسبی برخوردار به ویژه در بعد ذهنی برخوردار نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی شهری، تحلیل عاملی، بعد عینی، بعد ذهنی، شهر نوشهر

۱- مقدمه

نگاهی به سیر تکامل تاریخی مطالعات توسعه نشان می‌دهد که این در طول روند تکاملی خود از نگاه‌های یک‌سویه اقتصادی و کمی به سمت شمول مفاهیم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و ارزشی حرکت کرده است. توجه به مقوله کیفیت زندگی در سال‌های اخیر را نیز می‌توان در همین راستا (تغییر نگاه از توسعه یک بعدی و کمی به توسعه چندی بعدی و کیفی) مورد اهتمام قرار داد. این موضوع در سال‌های اخیر توجهات زیادی را به خود معطوف کرده است و تبدیل به موضوعی مهم در بخش عمده‌ای از حوزه‌های علوم انسانی شده است. رواج و کاربرد مفهوم کیفیت زندگی در واقع کنشی است علیه توسعه‌ی یک بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه صرفاً کالبدی - کارکردی در مقیاس شهری و تلاشی است در جهت اهتمام به معیارهای کیفی در عرصه‌ی برنامه‌ریزی (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۰۴). به نظر می‌رسد با توجه به تعدد حوزه‌های علمی دخیل در موضوع کیفیت زندگی، طبقه بندی این مفهوم در زیر مجموعه‌ی یک رشته علمی خاص بسیار دشوار، مجادله برانگیز و حتی نادرست خواهد بود.

رویکرد صرف برنامه‌ریزی شهری به ابعاد کالبدی - کارکردی شهر بدون توجه به ارزش‌ها و اهداف اجتماعی و اقتصادی مرتبط با آن، فلسفه وجودی شهرها به عنوان محلی برای زندگی را با تردیدهای جدی مواجه کرده، به گونه‌ای که عمده انتقادات علیه این نوع برنامه ریزی، بر روی اهداف ارزش‌های اجتماعی و کیفی و زیست پذیرتر شدن شهرها متمرکز شده بود. مطرح شدن نظریه‌هایی چون توسعه پایدار شهری، برنامه‌ریزی و کالتی، ارتباطی، مشارکتی و ... و همچنین شکل‌گیری جنبش‌هایی چون شهر آهسته، نوشهرگرایی، محله گرایی و ... بدون شک یکی از اصلی‌ترین دگرگونی‌ها در عرصه برنامه‌ریزی شهری در راستای ایجاد و ارتقاء کیفیت زندگی در محیط‌های شهری می‌باشد.

بر این اساس نظر به این که هدف غایی و نهایی تمامی نظریه‌ها و جنبش‌ها، عالمان و سیاستمداران در حوزه مسائل شهری معطوف به بهبود کیفیت زندگی شهروندان می‌باشد، درک و شناخت عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی شهروندان و چگونگی سنجش آن در مکان‌ها و مقیاس‌های مختلف از یک سو و همچنین درک پیچیدگی‌های محیط شهری و شناخت ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و روانی محیط زندگی و کالبد شهر در جهت ارائه راه‌حل و برنامه‌های علمی و عملی به مدیران شهری از جمله ضرورت‌های اساسی است که مطالعه کیفیت زندگی را اجتناب ناپذیر می‌سازد.

نگاهی به روند تحولات شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در ایران در دهه‌های اخیر گویای این واقعیت اساسی است که رویکردهای تک بعدی و کالبدی تبدیل به دغدغه اصلی برنامه‌ریزان و مدیران

شهری شده است. در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور عمدتاً در فکر ایجاد سرپناهی برای شهروندان هستند تا این که مسکنی ساخته شود که واقعاً مکان سکونت و آرامش باشد. مدیران شهری کشور عمدتاً به فکر بهبود وضعیت کالبدی شهرها (خیابان‌ها، تراکم‌ها، زیاله و ...) هستند و مسائل اجتماعی و فرهنگی و ابعاد روانی طرح‌های شهری چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. توجه به مسائلی چون هویت و هویت‌مندی شهروندان و فضاهای شهری، حس تعلق مکانی، تعاملات اجتماعی و همبستگی و انسجام در فضای شهری، احساس امنیت عمومی و اجتماعی و ... و زمینه‌هایی که می‌توان آن‌ها را ایجاد یا بهبود بخشید، به جرأت می‌توان گفت که در بخش عمده‌ای از برنامه‌ریزی‌های شهری کشور نادیده گرفته می‌شوند. برنامه‌ریزی‌ها و پروژه‌ها عمدتاً رو به سوی عینیت دارد تا ذهنیت، بیش تر به کالبد می‌پردازد تا محتوا و معنی، عمدتاً بریده از گذشته مکان و فرهنگ مردمان آن هستند و رو به سوی حال دارند، بدون آنکه تاثیر اقدامات آنها بر میراث گذشته و چشم‌اندازهای آینده مورد بررسی قرار گیرند. تداوم و سرعت یابی چنین شرایطی در روستا شهرها و شهرهای کوچک می‌تواند تاثیرات پیامدهایی اساسی را بر پیکر فرهنگ و محیط طبیعی و انسان‌ساخت آن‌ها وارد سازد. در چنین شرایطی برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته و تلاش در جهت بهبود کیفیت زندگی در محیط های شهری به خصوص شهرهای کوچک و روستا شهرها، انجام مطالعاتی این چنینی می‌تواند زمینه‌ای مناسب را فراهم سازد تا برنامه‌ریزان و مدیران شهری در ارائه طرح‌ها و برنامه‌های خود از توجه صرف به بعد کالبدی فراتر رفته و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی طرح‌ها و برنامه‌ها را بیش تر مورد مذاقه و بررسی قرار دهند. در این پژوهش شهر نوشهر به عنوان یکی از شهرهای کوچک کشور با جمعیتی حدود ۴۵۰۰۰ نفری به عنوان محدوده مورد مطالعه برای انجام پژوهش انتخاب گردید تا بتواند زمینه‌ای را برای درک بیش تر اهمیت موضوع ایجاد نماید.

۲- مروری بر پژوهش‌های پیشین

موضوع کیفیت زندگی به خصوص در زمینه شهری در سال‌های اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده و به طور فزاینده‌ای به موضوع تحقیقات مختلف تبدیل شده است (Foo, 2000; Bonaiuto et al, 2003; Li et al, 2007; lee, 2008 and Moro et al, 2008). توجه عملی به تحقیق در این عرصه تعداد زیادی از رشته‌های علمی از جمله روان‌شناسی، پزشکی، اقتصاد، علوم محیطی، جامعه‌شناسی و... را شامل می‌شود. یک تحقیق از پایگاه داده‌های موسسه‌ی اطلاعات علمی نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ بیش از ۵۵ هزار تحقیق در مورد کیفیت زندگی صورت گرفته است. در ایران نیز یک تحقیق از پایگاه مجلات تخصصی نور نشان می‌دهد برای عبارت "کیفیت زندگی" بیش از ۳۴۰۰ رکورد نمایش داده شده است.

موضوع کیفیت زندگی به طور خاص از سابقه‌ی مطالعاتی چندانی در ایران برخوردار نمی باشد. هر چند که در خصوص مباحث و موضوعات مرتبط با آن مانند عدالت اجتماعی و نابرابری‌های فضایی به طور غیر مستقیم مطالعات چندی صورت گرفته است (حاتمی‌نژاد، ۱۳۷۹؛ مرصوص، ۱۳۸۲؛ شریفی، ۱۳۸۵). از جمله اولین مطالعاتی که به طور خاص در ایران به موضوع کیفیت زندگی در شهرها پرداخته است، نوشتاری است تحت عنوان "زندگی و شهر: تجدید بنا و نوسازی مناطق و شهرها و کیفیت زندگی" که در سال ۱۳۵۵ توسط باقر پرهام به رشته‌ی تحریر درآمده است. یکی از مهمترین بخش‌های این نوشتار بحثی است که وی در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی و تفاوت‌های آن در جوامع شرقی و غربی انجام داده است و در واقع بر تفاوت‌های زمانی و مکانی این مفهوم تاکید دارد. مطالعات تجربی مربوط به کیفیت زندگی در ایران عمدتاً جدید هستند و اکثراً طی یک دهه‌ی اخیر انجام پذیرفته‌اند که از آن جمله می‌توان پژوهش کوکبی و دیگران (۱۳۸۴)، نجات (۱۳۸۷)، زبردست و دیگران (۱۳۸۸)، حاجی نژاد و دیگران (۱۳۸۹)، قالیباف و دیگران (۱۳۹۰)، پورطاهری و دیگران (۱۳۹۰)، خادم‌الحسینی و دیگران (۱۳۹۰)، پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱)، شمعی و دیگران (۱۳۹۱)، زنگنه شهرکی و دیگران (۱۳۹۳)، شاه حسینی و توکلی (۱۳۹۳) و ... اشاره نمود که در ادامه به یافته‌های برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

یافته‌های پژوهش فرجی ملائی و دیگران (۱۳۸۹) در خصوص بررسی و تحلیل کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران نشان می‌دهد که نواحی مختلف شهری ایران دارای شکاف بارزی از منظر شاخص‌های کیفیت زندگی شهری می‌باشند. از ۲۵۳ شهر مورد بررسی، تنها ۹/۵ درصد در سطح برخوردار قرار دارند و حدود ۵۰ درصد از نواحی شهری مورد مطالعه به عنوان نواحی محروم هستند. تهران به عنوان یک ناحیه‌ی شهری ناهمگن، خود را از سایر نواحی شهری مجزا ساخته است. از بعد فضایی تا حد بسیار زیادی نواحی محروم از نظر کیفیت زندگی در بخش‌های مرزی کشور قرار دارند. بنابراین گسست نواحی شهری از منظر شاخص‌های کیفیت زندگی شهری به نوعی از منطق فضایی (جغرافیایی) پیروی می‌کند.

یافته‌های پژوهش پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱) در خصوص بررسی کیفیت زندگی در محلات و نواحی مختلف شهر بابلسر نشان داده است که ساکنان محله‌های شهری با وجودی که می‌توانند دارای استاندارد بالایی از کیفیت زندگی عینی باشند، اما بازهم از زندگی خود حس رضایتمندی نداشته باشند و در مقابل محله‌های فقیر نشین با وجود شرایط نامناسب کیفیت محیط و مکان زندگی، ممکن است که از زندگی خود رضایت بیش تری داشته باشند.

یافته‌های پژوهش زنگنه شهرکی و دیگران (۱۳۹۳) در خصوص بررسی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تهران نشان می‌دهد که ویژگی‌های محیطی مانند وضعیت نامناسب

سرانه فضاهای شهری بر کاهش رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگیشان تأثیر گذار بوده است و بین ساکنان در محدوده مورد مطالعه صالح آباد و اسلام آباد به لحاظ رضایتمندی از کیفیت زندگی تفاوت معنی دار وجود دارد. در منطقه‌ی صالح آباد، مهم ترین عامل تأثیر گذار بر کیفیت زندگی عامل اقتصادی و امنیتی بوده است، در حالی که در اسلام آباد مهم ترین عامل تأثیر گذار، عامل وضعیت بهزیستی و متغیرهای مربوطه بوده است.

از مطالعات مرتبط با پژوهش در سطح بین المللی نیز می توان به پژوهش جین لی (۲۰۰۸) با عنوان "سنجش ذهنی کیفیت زندگی در تایپه" اشاره کرد که یافته های آن نشان می دهد که تأثیر اصلی روی رضایتمندی از وضعیت اجتماعی به وسیله رضایتمندی از واحد همسایگی هدایت شده است. بیش تر پاسخ دهندگان در این مطالعه معتقدند که ایمنی شخصی و خدمات عمومی تأثیرات اصلی بر کیفیت زندگی دارد. همچنین یافته های پژوهش رشیده زینال (۲۰۱۲) که در آن به بررسی رابطه میان کیفیت مسکن و کیفیت زندگی در مناطق شهری فقیر مالزی پرداخته است، نشان داده که بین شرایط مسکن (ویژگی های کالبدی، نوع مسکن، مالکیت مسکن، شرایط محیطی و دسترسی به امکانات) با کیفیت زندگی شهروندان رابطه کوچک اما معنی دار و مثبتی وجود داشته است.

۳- مبانی نظری تحقیق

همان گونه که پیشتر اشاره گردید کیفیت زندگی از جمله مفاهیمی است که طی دو سه دهه اخیر بیش تر مورد اهتمام قرار گرفته است و در حوزه های مختلف دانش بشری مورد تحلیل و سنجش و نقد قرار گرفته است. کیفیت زندگی از جمله کلماتی است که به وسیله هر کسی بدون تفکر و تعمق استعمال می شود، اما غالباً از تعریف دقیق این مفهوم فرار می کنند (El Din et al, 2013: 87). کیفیت زندگی مفهومی قرن بیستمی نیست، بلکه تاریخچه آن به دوران ارسطو برمی گردد. در آن دوران وی زندگی خوب را به معنی شاد بودن در نظر گرفته بود (عیسی زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۲)، خیلی بعدها و در سال ۱۸۸۹ واژه کیفیت زندگی در عبارتی توسط سس (Seth) مورد استفاده قرار گرفت (El Din et al, 2013: 87). همچنین در دوران جدید فیلسوفانی چون کیرکگارد، ژان پل سارتر، مازلو و دیگران در بحث پیرامون حالات درونی شخص به آن توجه کرده اند (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴) و از دهه ۱۹۳۰ این مفهوم توسط حوزه های مختلف علمی مورد مطالعه قرار گرفت (Wish, 1986: 95).

از زاویه یک نگاه علمی و تحلیلی، نظر به این که هنوز ادبیات مربوط به مفهوم کیفیت زندگی چندان استوار نشده است، آشکار است که ارائه یک تعریف برای این مفهوم بسیار مشکل است و در خصوص واژه شناسی، روش های ساخت و معیارهایی که این سازه را تشکیل

می دهند، هیچ توافقی وجود ندارد و تلاش ها برای دستیابی به یک تعریف اجماعی موفق نبوده است (Morais et al, 2011: 399). وجود تعاریف متعدد از این کیفیت زندگی شهری نشان می دهد که این مفهوم بسیار تفسیر پذیر و ابهام آور است (شاه حسینی و توکلی، ۱۳۹۳: ۱۲۸). تعدد حوزه های درگیر در بررسی مفهوم کیفیت زندگی باعث شد است تا هر محققى به تناسب تخصص و زمینه کاری خود تعاریف به بررسی و تعریف و ارائه شاخص برای سنجش کیفیت زندگی بپردازد که از آن جمله می توان به مطالعات اجتماعی از کیفیت زندگی (Wang et al, 2010; Mason et al, 2010; Wong, 2001; Whithead et al, 2010) مطالعات اقتصادی (Wong, 2001; Whithead et al, 2010; Mason et al, 2010)، مطالعات بهداشتی و پزشکی (Habib et al, 2009; Ryashchenko et al, 2010)، مطالعات محیطی (Godefroid, 2001; Geelen et al, 2009; Moser, 2009; Westaway, 2006) و ... اشاره نمود.

در حالی که در برخی نگرش ها کیفیت زندگی به عنوان یک مجموعه ای از فاکتورها از قبیل سلامت، محیط کالبدی، منابع طبیعی، توسعه شخصی و ایمنی تعریف می شود، در سوی دیگر محققانی دیگر بعد اقتصادی را به عنوان یکی از ستون های سه گانه کیفیت زندگی مطرح می کنند. برخی دیگر از نویسندگان به جای مفاهیم کمی و عینی، از کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم عمدتاً ذهنی دفاع می کنند. برخی کیفیت زندگی را به عنوان رضایتمندی از زندگی تعریف کرده اند و گروهی دیگر آن را به عنوان درجه یا سطحی که شخص از امکانات زندگی لذت می برد (Morais et al, 2011: 399).

رافائل و دیگران (Repheal et al, 1996) کیفیت زندگی را حدی که شخص از امکانات مهم زندگی اش لذت می برد، تعریف می کنند. به اعتقاد پال کیفیت زندگی نشان دهنده ویژگی های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی مناطق است و می تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه ریزی توسعه اجتماع به کار رود (Pal, 2005). فینویک و دیگران (۱۹۹۶) کیفیت زندگی مفهومی اجتماعی است و خود معنایی واقعی ندارد، بلکه صرفاً افراد هستند که بدان معنی می بخشند (Collados et al, 1999: 446). کامپ عنوان می کند که مفهوم کیفیت زندگی به طور عمیقی از تفکر مرتبط با سلامت نشأت می گیرد و دیدگاه واحدی درباره ی علت آن وجود ندارد (Kamp et al, 2003: 9). کیفیت زندگی ممکن است احساس خوبی باشد از ترکیبی از عوامل مرتبط با حس مکان یا هویت مکان از قبیل خوانایی، خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی. چیزی که در اینجا بسیار مهم است، ارتباط مستقیم عاطفی (احساسی) است که ما با محیط ساخته شده اطراف داریم، به عبارت دیگر احساس ما یا واکنش احساسی بین روان ما و فرم محیط و اجزای اصلی آن است (Profect et al, 1992: 134).

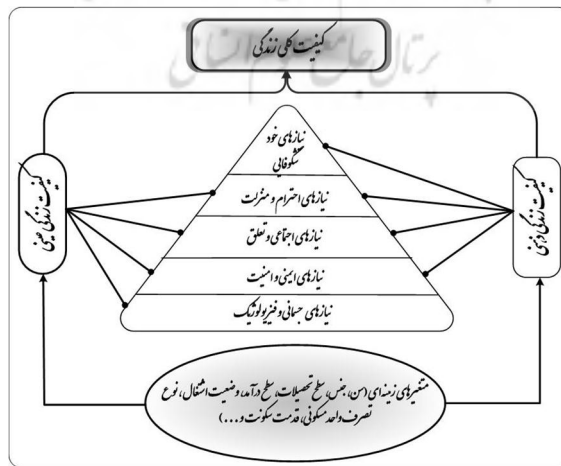
با وجود تفاوت‌های اساسی در تعاریف کیفیت زندگی، با این حال می‌توان یک وجه مشترک را در بخش عمده‌ای از این تعاریف پیدا نمود. این وجه اشتراک اهتمام هم‌زمان به تامین نیازهای اساسی مادی و معنوی (شامل ابعاد مادی و معنوی ساحت زندگی انسان) است. اکثر محققان در بررسی کیفیت زندگی آن را به دو بعد که ناظر بر دو نیاز فوق می‌باشد، تقسیم کرده‌اند. بعد روان‌شناختی یا ذهنی و بعد محیطی یا عینی (Massam, 2002; Westaway, 2006; Van Kamp et al, 2003; Daisy, 2008). از این رو می‌توان به‌طور کلی کیفیت زندگی را سازه‌ای چند بعدی، متشکل از شرایط عینی زندگی و بهزیستی ذهنی تعریف کرد. بعد عینی یا محیطی، به پاسخ‌گویی به تقاضاهای فرهنگی و اجتماعی برای ثروت مادی، پایگاه اجتماعی و بهزیستی جسمانی و بعد ذهنی یا روان‌شناختی به احساس رضایت به‌طور عام اشاره دارد (Phillips, 2006). در واقع بعد ذهنی ادراکات و ارزش‌یابی‌های افراد از وضعیت زندگی‌شان را دربرمی‌گیرد و راه‌هایی که مردم محیط پیرامونشان را درک و ارزیابی می‌کنند، تشریح می‌کنند. از طریق یکپارچه کردن ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی، امکان به دست آوردن تصویر کامل‌تر و مفیدتری از کیفیت زندگی در مقیاس‌های گوناگون مکانی و زمانی وجود دارد. کیفیت زندگی اساساً مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و بعد ارزشی کیفیت زندگی، نمی‌توان از یک شاخص عام و جهان‌شمول برای سنجش کیفیت زندگی استفاده نمود.

۴- مدل تحلیلی تحقیق

در این پژوهش در جهت تدوین مدل تحلیلی تحقیق از نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی آبراهام مازلو استفاده گردید. از دیدگاه وی، نیازهای اساسی انسان شامل پنج سطح هستند که شامل نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای ایمنی یا امنیت، نیازهای اجتماعی، تعلق و دوستی، نیازهای قدر و منزلت و نیاز به خودیابی و خودشکوفایی. بر اساس این نظریه، برای افزایش رضایتمندی افراد باید ابتدا سعی کرد نیازهای اولیه افراد مانند خوراک، پوشاک، مسکن و ... را تامین نمود. در مراحل بعدی مسأله امنیت شغلی، نیازهای ارتباطی و نیاز به احترام مطرح می‌باشد (رضائیان، ۱۳۷۰: ۱۷۶). نظریه مازلو از این حیث که نیازها را پدیداری انگیزشی - روانی تلقی می‌کند، نظریه‌ای روانشناختی است، اما از این حیث که که رفع این نیازها را مبتنی بر روابط و پیش‌شرط‌های اجتماعی می‌داند، جامعه‌شناختی است (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۱). همچنین می‌توان گفت که با توجه به این که برآورده شدن بخش عمده‌ای از این نیازها، با فضای جغرافیایی که شخص یا جامعه در آن زندگی می‌کند ارتباط بسیار نزدیکی دارد، دارای بعدی فضایی نیز می‌باشد.

نظر به این که نیازهای پنج‌گانه مازلو (تا حدودی) در برگیرنده تمامی سطوح زندگی انسانی (مادی و معنوی، عینی و ذهنی، بیرونی و دورنی، پیدا و پنهان و ...) هستند، پس می‌توان گفت که کیفیت زندگی فرد به میزان برآورده شدن این نیازها بستگی دارد. هر چه افراد بتوانند از سطح نیازهای فیزیولوژیک فراتر رفته و به سمت سطوح بالایی هرم (عزت نفس و خودیابی) حرکت کنند، بالتبع احساس رضایتمندی بهتری نیز از کیفیت زندگی خود خواهند داشت و بالعکس.

با توجه به این که در بخش عمده‌ای از مطالعات صورت گرفته در خصوص کیفیت زندگی، ابعاد کیفیت زندگی انسان به دو بعد عینی و ذهنی تفکیک شده‌اند (گروسی و نقوی، ۱۳۸۸: ۶۱-۸۲؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۷-۱۱۰؛ نوغانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۱-۱۴۰؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳-۳۱؛ آلن و همکاران، ۲۰۰۲؛ ونتگوتوس، ۲۰۰۳؛ دایسی، ۲۰۰۷ و ...)، در این پژوهش نیز چهارچوب نظری تحقیق بر همین اساس تدوین گردید. سعی گردید با توجه به هرم نیازهای مازلو، گویه‌های تحقیق به گونه‌ای تدوین گردند تا بتوانند نیازهای پنج‌گانه اساسی هر فرد یا اجتماعی را در بعد عینی و ذهنی شناسایی کنند. شکل شماره (۱) نشان دهنده مدل تحلیلی تحقیق می‌باشد که با اهتمام به ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی و سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو تدوین شده است. بر اساس مدل ذیل، نیازهای فیزیولوژیک عمدتاً مربوط به بعد عینی زندگی می‌باشند و در مقابل نیازهای خودیابی و خودشکوفایی نیز مربوط به بعد ذهنی زندگی (فرد یا جامعه) می‌باشد. اما سه سطح دیگر نیازها (یعنی نیازهای ایمنی و امنیت، نیازهای اجتماعی و تعلق و نیازهای احترام و تعلق)، نیازهای هستند که هم دارای ابعاد عینی هستند و هم دارای ابعاد ذهنی. به عنوان مثال، نیاز به احترام و داشتن منزلت، نیازی است که هم می‌تواند در بعد عینی از طریق مشارکت شخص در فعالیت‌های اجتماعی به دست آید و هم در بعد ذهنی از طریق میزان پذیرفته شدن شخص توسط دیگران و احساس ارزشمندی شخص از بودن در جامعه.



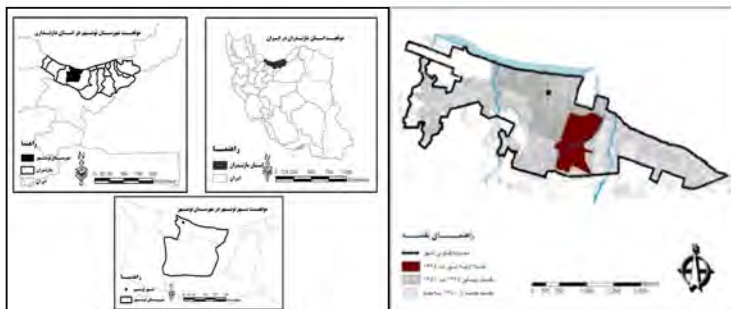
شکل (۱) مدل تحلیلی تحقیق بر اساس هرم نیازهای انسانی مازلو (مأخذ: نگارنده)

۵- روش‌شناسی و محدوده مورد مطالعه

محدوده‌ی مورد مطالعه‌ی شهر نوشهر در استان مازندران می‌باشد. جمعیت این شهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۴۲۱۷۵ نفر بوده است که با نرخ رشد ۰/۹۱ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۴۶۱۸۴ نفر رسیده است. مقایسه نرخ رشد جمعیت دو دهه ۷۵-۸۵ و ۸۵-۹۰ شهر گویای کاهش حدود یک درصدی نرخ رشد جمعیت شهر می‌باشد (از ۱/۸۴ درصد به ۰/۹۱ درصد).

ماهیت تحقیق حاضر به لحاظ هدف، توسعه‌ای - کاربردی و به لحاظ روش تحقیق، روشی ترکیبی است که در آن از روش توصیفی برای بررسی ادبیات و مبانی نظری تحقیق و از روش کمی - تحلیلی برای شناخت روابط علی و هم بستگی میان متغیرها و عوامل تحقیق استفاده شده است. گردآوری داده‌های اصلی نیز مبتنی بر روش‌های پیمایشی (پرسش نامه) می‌باشد. در جهت آزمونی ابزاری سنجش، در تدوین گویه‌های تحقیق از گزاره‌های تحقیق (مبانی نظری و پیشینه) استفاده گردید. همچنین در جهت روایی بالای مقیاس اندازه‌گیری (پرسش نامه)، پس از تدوین آن‌ها مبتنی بر انجام روایی صوری، از نظرات اساتید و صاحب‌نظران ذیصلاح در جهت سنجش اعتبار محتوایی نیز بهره برده شد و برای محاسبه‌ی پایایی ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار به دست آمده برای کل گویه‌ها ۰/۸۵۶۹ و برای گویه‌های بعد عینی ۰/۷۹۶۱ و گویه‌های بعد ذهنی ۰/۷۵۱۰ می‌باشد که نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار سنجش می‌باشد.

جامعه‌ی آماری تحقیق دربرگیرنده شهروندان بالای ۲۰ سال شهر نوشهر می‌باشد که بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۳۳۶۳۵ نفر می‌باشد. با توجه به مشخص بودن حجم جامعه آماری، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۰ نفر به دست آمد که جهت کیفیت بالاتر تعداد نمونه تا ۴۰۰ نمونه افزایش یافت. شیوه‌ی نمونه‌گیری نمونه‌گیری تصادفی می‌باشد که با توجه به عدم وجود ناحیه‌بندی رسمی از شهر که جمعیت آن‌ها نیز مشخص باشد، با توجه به شناخت نسبی محققین از محدوده‌ی مورد مطالعه، کل شهر به ۱۰ محدوده‌ی آماری تقسیم بندی گردید و تعداد پرسش‌نامه برای هر محدوده با توجه به وسعت آن محدوده و حدود نسبی تراکم جمعیت مشخص گردید.



شکل (۲) نقشه تقسیمات سیاسی و محدوده خدماتی شهر نوشهر

(مأخذ: نگارنده با استفاده از پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۴)

۶- سؤال‌های تحقیق

- مهم ترین مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی در شهر نوشهر کدامند؟
- آیا متغیرهای زمینه‌ای چون سن، جنس، سطح تحصیلات، قدمت سکونت در شهر، سطح درآمد و وضعیت اشتغال/ بیکاری می‌تواند بر روی کیفیت زندگی شهروندان در محدوده مورد مطالعه تاثیر چشمگیری داشته باشد؟
- سطح کلی کیفیت زندگی در میان شهروندان شهر نوشهر چگونه است؟

۷- یافته‌های تحقیق

۷-۱- اطلاعات توصیفی

از کل نمونه آماری تحقیق ۷۱/۸ درصد را مردان و ۲۸/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند که ۹۵/۵ درصد متأهل و ۸۳/۳ درصد نیز شاغل بوده‌اند. بیش از دو سوم (۷۸/۵ درصد) نمونه آماری متولد شهر بوده‌اند. بخش عمده‌ای از پرسش شونده‌گان (۷۳/۳ درصد) مالک عرصه و اعیانی منزل خود و مابقی مستأجر بوده‌اند.

از میان پاسخ‌دهندگان مهاجر، حدود ۸۱ درصد آن‌ها طی دو سال اخیر به شهر مهاجرت کرده‌اند و در مقابل شهروندانی که بیش از ۱۰ سال از زمان مهاجرت آن‌ها به شهر می‌گذرد، حدود ۱۵/۳ درصد پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌داده‌اند.

به لحاظ سابقه سکونت در شهر، قریب به ۷۰ درصد نمونه آماری سابقه اسکانی بیش از ۳۰ سال، ۱۷ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۷/۳ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال و مابقی کمتر از ۱۰ سال سابقه سکونت در شهر نوشهر را داشته‌اند.

به لحاظ توزیع سنی پاسخ‌گویان، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ ساله‌ها با ۲۸/۵ درصد می‌باشد و سپس به ترتیب گروه‌های سنی ۳۰-۴۰ سال (۲۴/۵ درصد)، ۵۰-۶۰ سال (۲۳/۵ درصد)، ۲۰ تا ۳۰ سال (۱۲ درصد) و ۶۰ سال به بالا (۱۰/۸ درصد) می‌باشد. به لحاظ وضعیت درآمدی، نزدیک به یک چهارم پرسش شونده‌گانی، درآمدی کم‌تر یا مساوی حداقل حقوق وزارت کار و رفاه اجتماعی را داشته‌اند.

به لحاظ وضعیت سطح تحصیلی پاسخ‌گویان، بخش عمده‌ای از آن‌ها تحصیلاتی دیپلم و فوق دیپلم داشته‌اند (۳۶ درصد). به لحاظ نوع شغل، ۳۹/۳ درصد پاسخ‌گویان شغل آزاد داشته‌اند، ۲۲ درصد کارمند بوده‌اند، ۱۵/۸ درصد جزء بازنشستگان و مستمری بگیران بوده‌اند، ۱۵ درصد کارگر، ۲/۳ درصد کشاورز بوده‌اند و ۵/۶ درصد نیز اظهار نکرده‌اند.

۷-۲- مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی

با توجه به مبانی نظری می‌توان گفت که کیفیت زندگی پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است و بهترین تحلیل‌ها زمانی حاصل می‌شود که شناخت ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی به صورت توأمان انجام شود. سنجش کیفیت زندگی شهری تنها با استفاده یکی از دو دسته، نمی‌تواند تصویری روشن و منطبق بر واقعیت را برای برنامه‌ریزان شهری ترسیم کند.

در جهت تحلیل و شناسایی مؤلفه‌های اصلی و سازنده کیفیت زندگی در محدوده‌ی مورد مطالعه از تکنیک تحلیل عاملی استفاده گردید. در این راستا، ابتدا گویه‌های تحقیق به دو بخش گویه‌های سنجنده بعد عینی کیفیت زندگی و گویه‌های سنجنده بعد ذهنی تفکیک گردیدند. تعداد کل گویه‌ها بالغ بر ۹۰ گویه را در برمی‌گیرند که از این تعداد ۴۳ گویه متعلق به ابعاد عینی و ۲۴ گویه متعلق به ابعاد ذهنی کیفیت زندگی و بقیه نیز گویه‌های توصیفی مربوط به متغیرهای زمینه‌ای می‌باشند. در جهت آزمون کفایت داده‌ها برای تحلیل عاملی و سنجش مدل تجربی تحقیق از آزمون بارتلت و شاخص KMO استفاده گردید که در بعد عینی مقدار آن برابر با $0/710$ و در بعد ذهنی $0/773$ به دست آمد که نشان دهنده کفایت نسبتاً بالای داده‌ها برای آزمون مدل تجربی تحقیق می‌باشد.

تعداد عامل‌های استخراج شده با مقدار ویژه بالاتر از یک در گویه‌های بعد عینی برابر با ۶ عامل اصلی می‌باشند. این ۶ عامل $53/2$ درصد کل واریانس را در مجموع داده‌ها را تبیین می‌کنند که از آن میان عامل نخست $18/16$ درصد واریانس، عامل دوم $9/68$ درصد، عامل سوم $7/26$ درصد، عامل چهارم $6/37$ درصد، عامل پنجم $4/72$ درصد و در نهایت عامل ششم $3/62$ درصد واریانس داده‌ها را تبیین می‌کنند. با توجه به نوع گویه‌هایی که در عوامل مختلف وارد شده‌اند، نام‌گذاری این ۶ عامل به ترتیب عبارتند از هم بستگی و تعاملات اجتماعی (عامل نخست)، شرایط اقتصادی (عامل دوم)، دسترسی به امکانات و خدمات (عامل سوم)، وضعیت کالبدی (عامل چهارم)، امنیت محیطی (عامل پنجم) و مشارکت در امور (عامل ششم). جدول شماره (۳) نشان دهنده گویه‌ها، مقادیر ویژه و عامل‌های مربوط به بعد عینی می‌باشد.

جدول (۱) تحلیل عاملی و عامل‌های مستخرج برای بعد عینی کیفیت زندگی شهروندان شهر نوشهر

عامل‌ها	گویه‌ها					
	۱	۲	۳	۴	۵	۶
همبستگی اجتماعی	۰.۵۴۷					
	۰.۷۵۷					
	۰.۶۲۲					

عامل‌ها						گویه‌ها	
۶	۵	۴	۳	۲	۱		
					۰.۶۸۳	حضور در پارک و مکان‌های تفریحی به اتفاق همسایه‌ها؟	شرایط اقتصادی
					۰.۸۱۵	داشتن روابط خانوادگی و صمیمانه با همسایه‌ها؟	
					۰.۶۴۵	مشورت به همسایه‌گان برای انجام امور مختلف؟	
					۰.۴۲۵	حمایت مالی از همسایه‌گان در صورت نیاز؟	
					۰.۷۳۸	حمایت همسایه‌ها از شما در صورت نیاز به کمک (مالی، حمایتی و معنوی)؟	
				۰.۷۶۹	توانایی برای تامین نیازهای اولیه خانواده (پوشاک، مسکن، تفریح، ...)		شرایط اقتصادی
				۰.۷۳۴	توانایی برای تامین هزینه‌های درمانی خانواده؟		
				۰.۷۴۶	توانایی برای تامین هزینه‌های آموزشی خانواده؟		
				۰.۶۶۳	توانایی برای تامین هزینه‌های تفریحی خانواده؟		
				۰.۶۷۷	رضایتمندی از توانایی برای تامین هزینه‌های خوراک و پوشاک خانواده؟		
				۰.۷۳۷	رضایتمندی از وضعیت درآمدی و دخل و خرج خود؟		دسترسی به امکانات
			۰.۷۳۴		رضایت از دسترسی به مراکز مالی (بانکها) و دستگاههای خودپرداز؟		
			۰.۷۲۲		رضایت از دسترسی به مراکز درمانی و پزشکی؟		
			۰.۷۲۴		رضایت از دسترسی به مراکز خرید و بازار؟		
			۰.۶۳۵		رضایت از دسترسی به مراکز گذران اوقات فراغت و پارکها؟		
			۰.۶۹۵		رضایت از دسترسی به مراکز آموزشی؟		
			۰.۴۱۷		رضایت از دسترسی به مراکز فرهنگی و کتابخانه؟		
			۰.۴۳۹		رضایت از دسترسی به فضای سبز و پارکها؟		
		۰.۵۱۴			رضایت از ایمنی عبور و مرور خود و خانواده‌تان در محدوده محله؟	محیط کالبدی	
		۰.۵۵۶			رضایت از نور و روشنایی واحد مسکونی؟		
		۰.۴۲			رضایت از پاکیزگی خیابان‌ها و معابر محل زندگی؟		
		۰.۵۵۴			رضایت از مساحت زمین ساختمان مسکونی؟		
		۰.۷۴۴			رضایت از دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی؟		
		۰.۶۱۶			رضایت از کیفیت آسفالت خیابان‌ها و کوچه‌ها؟		
		۰.۶۹			رضایت از کیفیت جمع‌آوری و دفع زباله؟		
		۰.۴۹۱			رضایت از سیما و منظر شهری محل سکونت؟		
		۰.۵۱۶			تا چه اندازه آلودگی محیط زندگی‌تان برای شما آزار دهنده است؟		

عامل‌ها					گویه‌ها	
۶	۵	۴	۳	۲		
	۰.۶۵۷					قوع سرقت در محل زندگی؟
	۰.۶۶۸					رضایت از حضور پلیس و نیروی انتظامی در محله؟
	۰.۵۰۴					مشاهده رفتارهای بزهکارانه در محله؟
	۰.۶۶۶					رضایت از دسترسی به مراکز ورزشی؟
	۰.۴۵۹					رضایت از دسترسی به نیروی انتظامی؟
۰.۳۶۱						برگزاری جلسات منظم بین همسایگان و اهالی محله برای حل مسائل؟
۰.۵۴۶						تمایل برای مشارکت در اجرای پروژه‌های شهری در محله خود؟
۰.۵۶						اعتماد به طرح‌ها و برنامه‌های مدیریت شهری و کمک به اجرای؟
۰.۲۶۷						مراجعه برای گزارش مسائل و مشکلات محله به نهادهای ذیربط؟
۰.۵۰۵						تمشکات در فعالیت‌ها و امور خیریه در محله و داخل شهر؟
۰.۴۵۹						تعهد و الزام خود برای پرداخت عوارض مربوط به خدمت شهری؟
۰.۴۶۴						شرکت در فعالیت‌های ورزشی؟
۳/۶۲	۴/۷۲	۶/۳۷	۷/۲۶	۹/۶۸	۱۸/۲	درصد واریانس
۵۳/۲					مجموع واریانس تبیین شده	

مأخذ: نگارنده

در بعد ذهنی نیز جهت شناخت مؤلفه‌های اصلی و سازنده کیفیت زندگی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی ۲۴ گویه تحقیق ۵ عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک تقلیل پیدا کردند. این ۵ عامل تبیین کننده ۶۰/۹۸ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق یعنی کیفیت زندگی می‌باشند. عامل نخست که تحت عنوان "احساس ارزشمند بودن" نام‌گذاری شده است به تنهایی ۲۶/۶۵ درصد متغیر وابسته (کیفیت زندگی) را تبیین می‌کند. عامل دوم تحت عنوان "حس تعلق مکانی" ۱۴/۶۵ درصد، عامل سوم تحت عنوان "بهبودی ذهنی" ۱۰/۰۷ درصد، عامل چهارم تحت عنوان "شبکه اجتماعی" ۵/۳۴ درصد و در نهایت عامل پنجم تحت عنوان "احساس امنیت" ۴/۸۲ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند.

جدول (۲) تحلیل عاملی و عامل‌های مستخرج برای بعد ذهنی کیفیت زندگی شهروندان شهر نوشهر

عامل‌ها					متغیرها	بار
۵	۴	۳	۲	۱		
				۰.۷۵۸	فکر می‌کنید تا چه حد جامعه برای شما و جایگاه اجتماعی و شغلیتان ارزش قائل است؟	۰.۷۵۸
				۰.۷۱۶	تا چه حد فکر می‌کنید از امکانات زندگی بهره‌مند هستید؟	۰.۷۱۶
				۰.۵۴۱	تصور از میزان تاثیر گذاری در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور؟	۰.۵۴۱
				۰.۶۵۸	اطمینان از توانایی خود در برنامه‌ریزی و کنترل امور زندگی و شغلی؟	۰.۶۵۸

عوامل					متغیرها	عوامل
۵	۴	۳	۲	۱		
				۰.۵۵۳	رسیدن به استحقاقها، با توجه به توانایی‌ها و استعدادهایتان موجود در فرد؟	بهریستی ذهنی
				۰.۸۳۷	رضایتمندی سرپرست خانواده از وضعیت شغلی خود؟	
				۰.۴۵۳	آیا خود را فرد موفق می‌دانید؟	
				۰.۴۳۱	آیا از خانواده خود رضایت دارید؟	
				۰.۶۴۸	آیا خود را انسان خوشبختی می‌دانید؟	
				۰.۷۲۰	آیا به آینده خود و زندگیتان امیدوارید؟	
				۰.۴۰۲	تا چه حد خود را فردی شاد و سرزنده می‌دانید؟	
				۰.۵۲۶	تا چه حد احساس سلامتی و تندرستی می‌کنید؟	
				۰.۷۷۲	تا چه حد خود را برخوردار از احساس آرامش روحی و روانی می‌دانید؟	احساس تعلق مکانی
				۰.۷۸۴	تا چه اندازه به زندگی در این شهر علاقه‌مندید؟	
				۰.۷۴۲	تا چه حد به زندگی در این محله علاقه‌مندید؟	
				۰.۸۴۳	آیا این محله را یکی از محلات خوش نام شهر می‌دانید؟	
				۰.۷۴۳	رضایتمندی و احساس خوب داشتن از اهل این محله یا ساکن این محله بودن؟	
				۰.۵۸۳	تا چه اندازه به زندگی در این شهر علاقه‌مندید؟	شبکه اجتماعی
				۰.۶۳۵	تمایل به ترک محله، در صورت بهبود وضعیت مالی و اقتصادی؟	
				۰.۷۷ ۱	تا چه حد به همسایگان خود اعتماد دارید؟	
				۰.۶۵۶	تا چه حد از ارتباط با خانواده و خویشان نزدیکتان رضایت دارید؟	احساس امنیت
				۰.۷۷۸	تا چه حد از پیاده‌روی شبانه در محله‌تان احساس امنیت می‌کنید؟	
				۰.۵۸۷	احساس امنیت از پارک شبانه ماشین در بیرون منزل (کوچه یا خیابان)؟	
۴/۸۲	۵/۳۴	۱۴/۶۵	۱۰/۰۷	۲۶/۶۵	درصد واریانس	
۶۰/۹۸					مجموع واریانس تبیین شده	

مأخذ: نگارنده

۷-۳- تأثیر عوامل زمینه‌ای بر کیفیت زندگی شهروندان

الف) جنس و سن: این دو متغیر از جمله متغیرهایی است که در بیش تر تحقیقات به‌عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند. یافته‌های تحقیق در خصوص نقش عامل جنسیت در تفاوت

مندی کیفیت زندگی نشان می‌دهد که میان کیفیت زندگی در بین مردان و زنان شهر نوشهر هر در ابعاد ذهنی و عینی و هم کل (عینی و ذهنی) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و جامعه‌ی مورد مطالعه به تفکیک جنسیت شرایط یکسانی را به لحاظ کیفیت زندگی احساس می‌کنند.

جدول (۳) مقایسه میانگین امتیازات و ضریب معنی‌داری کیفیت زندگی بر اساس جنسیت

ضریب معنی‌داری	انحراف معیار	میانگین		
۰/۱۴۷	۰/۴۲	۳/۱۷	مرد	عینی
	۰/۵۲	۳/۲۵	زن	
۰/۱۰۲	۰/۵۵	۳/۴۱	مرد	ذهنی
	۰/۵۵	۳/۵۱	زن	
۰/۰۶۸	۰/۴۲	۳/۲۹	مرد	کل (عینی و ذهنی)
	۰/۵۱	۳/۳۸	زن	

مأخذ: نگارنده

در خصوص متغیر سن نیز یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در بعد ذهنی همراه با افزایش سن پاسخ‌گویان رضایتمندی آن‌ها از کیفیت زندگی‌شان کاهش پیدا کرده است. به عبارت دیگر، رابطه معنی‌دار و هم‌بستگی معکوسی میان گروه سنی و کیفیت ذهنی شهروندان شهر نوشهر مشاهده شده است (ضریب هم‌بستگی: $-0/098$ ؛ ضریب معنی‌داری $0/050$) و در مقابل میان بعد عینی و کل (عینی و ذهنی) هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری میان گروه سنی و کیفیت زندگی مشاهده نگردید. دلیل وجود رابطه معکوس در بعد ذهنی را شاید بتوان به این دلیل دانست که افراد با افزایش سن‌شان و آگاهی بیش‌تر آن‌ها نسبت به امکانات و شرایط و بازخوردی که از طول عمر خودشان به دست می‌آورند، به لحاظ روانی نسبت به فرصت‌های از دست داده یا آرزوهای برآوردن نشده خود و عدم وجود فرصت برای برآورده ساختن آنها احساس نارضایتی بیش‌تری نسبت به گروه‌های سنی جوان‌تر می‌کنند.

ب) تحصیلات و درآمد: تحصیلات یکی از مؤلفه‌هایی است که به کمک آن می‌توان منزلت اجتماعی و نهایتاً پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد را تشخیص داد. انتظار می‌رود افرادی که از سطح سواد بالاتری برخوردارند، از کیفیت زندگی بالاتری نیز برخوردارند و معمولاً از طریق تحصیلات، عناصر اجتماعی به افراد انتقال یافته و روش‌های بهتر زیستن را فرا می‌گیرند. یافته‌های حاصل از پژوهش نیز با انتظار فوق همخوانی دارد به گونه‌ای که میان سطح تحصیلات و وجوه سه‌گانه کیفیت زندگی (عینی، ذهنی و کل) رابطه معنی‌دار و هم‌بستگی مثبتی در شهر نوشهر برقرار گردیده است.

مؤلفه‌ی دیگر، متغیر درآمد است، داشتن درآمد مکفی که بتوان نیازهای زندگی را تا حد انتظار برآورد از جمله مهم‌ترین متغیرهایی است که تأثیر به‌سزایی بر کیفیت زندگی دارد. هر چند که شاید در ظاهر ارتباط میان درآمد و کیفیت زندگی بدیهی به نظر آید، اما همیشه نیز این امر مصداق نمی‌یابد. به

خصوص زمانی که کیفیت زندگی را به ابعاد عینی و ذهنی تفکیک می‌کنیم، این امر بیش تر مصداق پیدا می‌کند. یافته‌های حاصل از تحقیق در این خصوص نشان می‌دهد که در شهر نوشهر میان سطح درآمد و کیفیت زندگی شهروندان در وجوه سه‌گانه (عینی، ذهنی و کل) هم بستگی مستقیم و رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۴) رابطه میان متغیر مستقل سطح درآمد و وجوه سه‌گانه کیفیت زندگی در شهر نوشهر

کل (عینی و ذهنی)	بعد ذهنی	بعد عینی	
۰/۲۹۰	۰/۳۱۰	۰/۲۸۰	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	ضریب معنی‌داری

مأخذ: نگارنده

پ) سابقه سکونت در شهر) یکی از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر رضایتمندی و کیفیت بالای زندگی، دارا بودن حس تعلق مکانی، خاطره و قصه و هویت‌مندی است. بخش عمده‌ای از این ویژگی‌ها مکان‌مند بوده و هستند. بر این اساس به نظر می‌رسد با توجه به این که پایداری (ثبات) اسکان در یک مکان می‌تواند زمینه‌سازی باشد برای شکل‌گیری خاطره، روایت قصه و ایجاد حس تعلق مکانی و هویت‌مندی، انتظار می‌رود یکی از فاکتورهای مهم تعیین‌کننده در کیفیت زندگی انسان‌ها، سابقه سکونت و پایداری اسکان آن‌ها در یک شهر/روستا/محله باشد. یافته‌های حاصل از تحقیق در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد که برخلاف انتظار در شهر نوشهر میان سابقه‌ی سکونت در شهر و وجوه سه‌گانه کیفیت زندگی (ذهنی، عینی و کل) رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول (۵): رابطه میان متغیر مستقل سابقه سکونت در شهر نوشهر و وجوه سه‌گانه کیفیت زندگی

کل (عینی و ذهنی)	بعد ذهنی	بعد عینی	
-۰/۰۰۳	-۰/۰۲۲	۰/۰۲۰	ضریب همبستگی
۰/۹۴۶	۰/۶۵۸	۰/۶۸۴	ضریب معنی‌داری

مأخذ: نگارنده

ت) نحوه‌ی تصرف واحد مسکونی: مسکن مفهومی بیش از یک سرپناه فیزیکی است و علاوه بر ساختار فیزیکی، شامل برخورداری از خدمات و تسهیلات ضروری برای بهتر زیستن ساکنان و حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کننده و یکی از وجوه اساسی سرمایه‌گذاری خانوار نیز می‌باشد و کارکردهای مختلف اجتماعی و فرهنگی، روانی، اقتصادی را در خود دارد. یکی از فاکتورهای بهره‌مندی از کیفیت زندگی مطلوب، داشتن مسکن مناسب می‌باشد به گونه‌ای که فرد در آن احساس آرامش (سکون) کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در نمونه آماری حدود ۷۳/۳ درصد پاسخ‌گویان مالک واحد مسکونی خود

بوده و ۲۶/۷ درصد نیز مستأجر بوده‌اند. میانگین‌های به دست آمده در این بخش نشان می‌دهد که افراد مالک از کیفیت زندگی خود رضایت بیش تری دارند. همچنین تحلیل استنباطی داده‌ها با استفاده از آزمون تی مستقل نیز نشان می‌دهد که کیفیت زندگی خانواده‌های مالک و مستأجر از بعد عینی، ذهنی، و کل (عینی و ذهنی) تفاوت معنی‌داری با هم دارند.

جدول (۶): رابطه‌ی میان متغیر مستقل نحوه تصرف واحد مسکونی با وجوه سه‌گانه کیفیت زندگی در نوشهر

ضریب معنی داری	انحراف معیار	میانگین		
۰/۰۰۰	۰/۴۳	۳/۲۶	مالک	عینی
	۰/۴۶	۳/۰۱	مستأجر	
۰/۰۰۴	۰/۵۹	۳/۴۸	مالک	ذهنی
	۰/۴۴	۳/۳۲	مستأجر	
۰/۰۰۰	۰/۴۴	۳/۳۷	مالک	کل (عینی و ذهنی)
	۰/۴۳	۳/۱۷	مستأجر	

مأخذ: نگارنده

۷-۴- کیفیت زندگی منطقی و شهودی

این روش در واقع روشی است که در برخی منابع به عنوان سنجش بعد ذهنی کیفیت زندگی از آن یاد شده است. در این روش رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. در روش شهودی، افراد در مورد زندگی خود به‌عنوان یک کل مورد سؤال قرار می‌گیرند. اما در روش منطقی، ابتدا افراد در مورد احساس خود از قلمروهای مختلف زندگی همچون جوابگویی به سؤالات مربوط به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و همچنین احساس خود نسبت به زندگی و... مورد سؤال قرار می‌گیرند و هنگامی که افراد به این سؤالات پاسخ دادند، احساس آن‌ها در مورد زندگی به عنوان یک کل مورد سؤال قرار می‌گیرد. در نتیجه آن‌ها می‌توانند پاسخی منطقی با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی ارائه دهند و در واقع در این بخش ذهن افراد نسبت به کیفیت زندگی‌شان بیش تر باز شده است. اندازه‌گیری هر دو پاسخ شهودی و منطقی به بررسی این موضوع کمک می‌کند که آیا تغییری در دیدگاه افراد در مورد احساس آنها نسبت به زندگی پس از توجه به قلمروهای مختلف زندگی وجود دارد (Das, 2008: 304). استفاده از این دو پاسخ‌ها دستیابی به سنجش‌های دقیق‌تر کیفیت زندگی را تسهیل می‌کند (Ibrahim et al, 2003: 210).

برای ارزیابی تفاوت‌ها میان کیفیت زندگی شهودی و منطقی شهروندان شهر نوشهر، از تحلیل‌های توصیفی مربوط به نظرات پاسخ‌گویان که مبتنی بر طیف لیکرت ۵ مقیاسی می‌باشد،

استفاده گردید. جهت تحلیل گویاتر، طیف‌های پنج‌گانه (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) در قالب سه طیف زیاد، متوسط و کم تلخیص گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در ارتباط با کیفیت شهودی زندگی، ۴۵/۵ درصد به میزان زیادی از کیفیت زندگی خود رضایت داشته اند، همین مقدار رضایت خود از کیفیت زندگی شان را متوسط ارزیابی کرده اند و تنها ۹ درصد پاسخ گویان به میزان کمی از کیفیت زندگی خود راضی بودند. در نهایت می‌توان اذعان کرد که در پاسخ به کیفیت زندگی شهودی میانگین ۳/۵۱ به دست آمده که نشان می‌دهد که میزان رضایت شهروندان شهر نوشهر از کیفیت زندگی خود، بالاتر از حد متوسط می‌باشد.

در بررسی کیفیت زندگی منطقی شهروندان شهر نوشهر نیز باید بیان کرد که درصد پاسخ گویانی که رضایت خود از کیفیت زندگی شان را زیاد ارزیابی کرده بودند، برابر با ۴۳/۳ درصد بوده است که این امر نشان دهنده کاهش رضایت نسبت به ارزیابی شهودی می‌باشد. پاسخ گویانی که رضایت خود از کیفیت زندگی منطقی شان را متوسط ارزیابی کرده اند، برابر با ۴۹ درصد بوده است که نشان می‌دهد فراوانی اعداد این گروه نسبت به فراوانی کیفیت زندگی شهودی با افزایش همراه بوده است و از ۴۵/۵ درصد در بخش شهودی به ۴۹ درصد در بخش منطقی رسیده است و در نهایت اینکه تنها ۷/۷ درصد پاسخگویان ارزیابی خود از کیفیت زندگی منطقی را کم ارزیابی کرده اند که در این مورد هم نسبت به کیفیت شهودی اندکی تفاوت دیده می‌شود. مقایسه‌ی میانگین کیفیت زندگی شهودی با منطقی نیز گویای آن است که علی‌رغم این که در هر دو مورد رقم به دست آمده از میانه نظری بالا بوده و نشان دهنده رضایتمندی شهروندان شهر نوشهر از کیفیت نسبتاً مناسب زندگی خود می‌باشد، با این حال عدد مربوط به کیفیت زندگی منطقی اندکی پایین‌تر از کیفیت شهودی بوده و نشان‌دهنده ارزیابی صحیح‌تر شهروندان از کیفیت زندگی با توجه به حوزه‌های مختلف نسبت به در نظر گرفتن آن به عنوان یک کل می‌باشد.

جدول (۷) رضایتمندی از کیفیت زندگی شهودی و منطقی

میانگین	کم	متوسط	زیاد	
۳/۵۱	۹	۴۵/۵	۴۵/۵	شهودی
۳/۴۵	۷/۷	۴۹	۴۳/۳	منطقی

مأخذ: نگارنده

۷-۵- شاخص تجمعی کیفیت زندگی

برای پاسخ به سؤال سوم تحقیق در خصوص ارزیابی سطح کلی کیفیت زندگی در شهر نوشهر از شاخص تجمعی کیفیت زندگی استفاده گردید. برای به دست آوردن این شاخص از روش ارائه شده توسط لی و ونگ (Li and Weng, 2007: 255) استفاده گردید. در این روش شاخص تجمعی برای ابعاد

عینی و ذهنی کیفیت زندگی با استفاده از امتیاز آن‌ها و با تخمین تحلیل عاملی تهیه شده است. هر عامل به عنوان یک جنبه از کیفیت زندگی در نظر گرفته شده است و شاخص تجمعی که از طریق رابطه ذیل (۱) به دست آمده است، ترکیبی از جنبه‌های گوناگون می‌باشد. در این رابطه n گویای تعداد عامل‌های انتخاب شده، F_i نشان دهنده امتیاز عامل i و در نهایت W_i نشان دهنده درصد واریانس تبیین شده به وسیله عامل i می‌باشد. همان گونه که لی و یانگ بیان کرده‌اند یکی از مشکلات اساسی برای به دست آوردن شاخص تجمعی کیفیت زندگی، کمبود معیارهای لازم برای وزن دهی شاخص‌ها است. به همین جهت عامل‌ها به عنوان شاخص‌های ترکیبی مورد نظر است و درصد واریانس تبیین می‌کنند. به عنوان وزن به کار رفته‌اند (رابطه ۲). امتیاز کیفیت زندگی که از طریق اجرای رابطه ۲ برآورد شده است، در بعد عینی بین اعداد حداکثر $48/00$ و حداقل $57/54-$ و در بعد ذهنی بین اعداد حداکثر $75/38$ و حداقل $69/02-$ تغییر می‌کند. بنابراین از تکنیک استانداردسازی مینیمم-ماکزیمم برای تبدیل امتیاز کیفیت زندگی در ابعاد عینی و ذهنی به دامنه یک تا ۵ که بر اساس طیف لیکرت و گویه‌های تحقیق می‌باشد، استفاده گردید (رابطه ۳)، چرا که استانداردسازی می‌تواند به تسهیل قابلیت قیاس ابعاد عینی و ذهنی کمک نماید (رضوانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). یافته‌های مطالعه نشان که بر خلاف امتیازات کیفیت زندگی منطقی و شهودی که هر کدام بر اساس یک گویه سنجیده شده بود و نشان می‌داد که کیفیت زندگی در شهر نوشهر از میانگین نظری بالاتر می‌باشد (جدول ۱۰)، بر اساس شاخص تجمعی کیفیت زندگی، در بعد عینی امتیاز به دست آمده برابر با $2/226$ و در بعد ذهنی امتیاز حاصل برابر با $2/389$ می‌باشد. بر این اساس، هم در بعد عینی و هم در بعد ذهنی کیفیت زندگی شهروندان شهر نوشهر از وضعیت چندان مناسبی برخوردار به ویژه در بعد ذهنی برخوردار نمی‌باشد و ضروری است مسؤولین امر در برنامه‌ریزی‌های آتی شهر، علاوه بر ارتقای امکانات و خدمات و بعد عینی، توجه ویژه‌ای به بهبود شاخص‌های بعد ذهنی نیز مبذول دارند.

$$QoL = \sum_{i=1}^N F_i W_i \dots \dots \dots (1)$$

$$QoL_{Subjective} = \left[(15.988 * Factor^1) + (12.793 * Factor^2) + (8.851 * Factor^3) + (8.650 * Factor^4) \right] + \left[(8.402 * Factor^5) + (6.852 * Factor^6) \right] \dots \dots \dots (2)$$

$$SOQoL = 5 * [(QoL - QoL_{min}) + (QoL_{max} - QoL_{min})] \dots \dots \dots (3)$$

۸- نتیجه‌گیری

اهمیت یافتن اندیشه و مفهوم کیفیت زندگی، نشان دهنده دیدگاهی نو در نگرش به موضوعات توسعه‌ای است که مفاهیم و شاخص‌های مربوط به توسعه را از حوزه‌های تک بعدی و عینی و مادی (و البته در زمینه شهری، کالبدی) صرف خارج ساخته و بر روی ابعاد چندگانه، عینی و

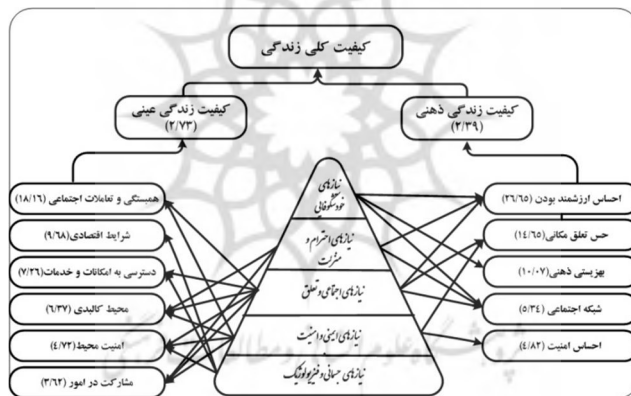
ذهنی و مادی و معنوی مقوله‌ی توسعه متمرکز شده است. در این میان طرح موضوع کیفیت زندگی در بستر و زمینه شهری، از چندین بعد موضوعی کلیدی است که نیازمند توجه و التفاتی دوچندان می‌باشد. نخست این که شهرها نمودهای کالبدی و فضایی تمدن بشری و بستر و زمینه‌سازی برای ابداع، خلاقیت و نوآوری می‌باشند، ثانیاً، بنا بر آمارها در سال ۲۰۰۷ برای اولین بار بخش عمده‌ای از جمعیت جهان ساکن شهرها شدند و به تعبیری دیگر، شهرنشینی تبدیل به الگو و سبک غالب زندگی در جهان معاصر شده است و ثالثاً، شهرها به عنوان و پیرین‌ترین هستند که ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها و تمدن‌ها را در آنها می‌توان به نظاره نشست. بر این اساس هرگونه نارسایی در چهارچوب‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ... کشور می‌تواند به بهترین شکل نمود خود را در فضاهای شهری به نمایش بگذارد و رابعاً با مطرح شدن نظریه توسعه پایدار شهری، هدف غایی و نهایی این نظریه ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان است و بر این اساس ارتباط متقابلی بین این دو مفهوم برقرار می‌باشد.

هدف اصلی این تحقیق که در محدوده‌ی شهر نوشهر انجام گرفته است، شناسایی مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه و سنجش سطح کیفیت زندگی شهروندان نوشهر می‌باشد. بر اساس مبانی نظری و مدل تحلیل تحقیق، کیفیت زندگی تابعی از دو بعد عینی و ذهنی در نظر گرفته شد. یافته‌های حاصل از تحقیق گویای آن هستند که مؤلفه‌های سازنده بعد عینی کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه دربرگیرنده ۶ عامل یا مؤلفه شامل هم بستگی و تعاملات اجتماعی، شرایط اقتصادی، دسترسی به امکانات و خدمات، وضعیت کالبدی، امنیت محیطی و مشارکت در امور می‌باشند که در مجموع ۵۳/۲ درصد کل واریانس متغیر وابسته کیفیت زندگی در بعد عینی را تبیین می‌کنند. در بعد ذهنی نیز مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی شهر نوشهر در برگیرنده ۵ عامل به ترتیب اهمیت شامل احساس ارزشمند بودن، حس تعلق مکانی، بهزیستی ذهنی، شبکه اجتماعی و احساس امنیت می‌باشند که در مجموع ۶۰/۹۸ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق یعنی کیفیت زندگی در بعد ذهنی را تبیین می‌کنند. سایر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که:

۱- جنسیت شهروندان در ابعاد ذهنی و عینی و هم‌کل (عینی و ذهنی) تأثیری در کیفیت زندگی شهروندان نداشته است.

۲- در بعد ذهنی میان همراه با افزایش سن پاسخ‌گویان رضایتمندی آن‌ها از کیفیت زندگی‌شان کاهش پیدا کرده است. به عبارت دیگر، رابطه‌ی معنی‌دار و هم‌بستگی معکوسی میان گروه‌سنی و کیفیت ذهنی شهروندان شهر نوشهر مشاهده شده است و در مقابل میان بعد عینی و کل (عینی و ذهنی) هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری میان گروه سنی و کیفیت زندگی مشاهده نگردید.

- ۳- میان سطح تحصیلات و وجوه سه گانه کیفیت زندگی (عینی، ذهنی و کل) رابطه معنی دار و هم بستگی مثبتی در شهر نوشهر برقرار گردیده است.
- ۴- در محدوده‌ی مورد مطالعه‌ی میان سطح درآمد و کیفیت زندگی شهروندان در وجوه سه گانه (عینی، ذهنی و کل) هم بستگی مستقیم و رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.
- ۵- برخلاف انتظار در شهر نوشهر میان سابقه‌ی سکونت در شهر و وجوه سه گانه کیفیت زندگی (ذهنی، عینی و کل) رابطه‌ی معنی داری وجود ندارد.
- ۶- یافته‌ها نشان میدهد که افراد مالک از کیفیت زندگی خود رضایت بیش تری دارند.
- ۷- بر اساس شاخص تجمعی کیفیت زندگی، در بعد عینی امتیاز به دست آمده برابر با ۲/۷۲۶ و در بعد ذهنی امتیاز حاصل برابر با ۲/۳۸۹ می باشد. بر این اساس، هم در بعد عینی و هم در بعد ذهنی کیفیت زندگی شهروندان شهر نوشهر از وضعیت چندان مناسبی برخوردار به ویژه در بعد ذهنی برخوردار نمی باشد.



شکل (۳) مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی در شهر نوشهر با توجه به مدل تحلیل تحقیق (نگارنده)

منابع و مأخذ:

- ۱- پرهام، ب. ۱۳۵۵. زندگی و شهر، تجدید بنا و نوسازی مناطق و شهرها و کیفیت زندگی (درس هایی از تجدید بنا و نوسازی مناطق زلزله زده ایران). نامه علوم اجتماعی. دوره قدیم. شماره ۶. ۲۱-۱.
- ۲- پورطاهری، م، رکن الدین افتخاری، ع، فتاحی، ا. ۱۳۹۰. ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی دهستان خاوه شمالی استان لرستان). فصل نامه پژوهش های جغرافیای انسانی. شماره ۷۶. ۱۳-۳۱.
- ۳- حاتمی نژاد، ح. ۱۳۷۹. عدالت اجتماعی و شهر - ناهمگونی فضایی محلات شهر مشهد. رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه شهید بهشتی تهران. دانشکده علوم زمین.
- ۴- حاجی نژاد، ع، رفیعیان، م، زمانی، ح. ۱۳۸۹. بررسی متغیرهای فردی موثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی (مطالعه موردی مقایسه بافت قدیم و جدید شهر شیراز). فصلنامه جغرافیا و توسعه. شماره ۱۷. ۶۳-۸۲.
- ۵- خادم الحسینی، ا، منصوریان، ح، ستاری، م، ح. ۱۳۸۹. سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی. سال اول. شماره سوم. ۴۵-۶۰.
- ۶- رضائیان، ع. ۱۳۷۰. اصول مدیریت. چاپ نخست. انتشارات سمت. تهران.
- ۷- رضوانی، م، متکان، ع. ۱، منصوریان، ح. ۱۳۸۸. توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی شهر نورآباد استان لرستان). فصلنامه مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای. سال اول. شماره دوم. ۸۷-۱۱۰.
- ۸- زنگنه شهرکی، س، گلین شریف ادینی، ج، حسن زاده، د، سالاری مقدم، ز. ۱۳۹۳. تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه های فضایی منطقه کلان شهری تهران - مطالعه موردی اسلام آباد و صالح آباد. پژوهشهای جغرافیای انسانی. دوره ۴۶. شماره ۱. ۱۷۷-۱۹۶.
- ۹- شاه حسینی، پ، توکلی، ه. ۱۳۹۳. تحلیل شاخص های کیفیت زندگی شهری - مورد محله وردآورد منطقه ۲۱ شهر تهران. فصلنامه آمایش محیط. سال ششم. شماره ۲۴، ۱۲۷-۱۴۴.
- ۱۰- شریفی، ع. ۱۳۸۵. عدالت اجتماعی و شهر - تحلیل نابرابری های منطقه ای در شهر اهواز. رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه تهران.
- ۱۱- عیسی زاده، ا، آهار، ح، طهماسبی، ف، منوچهری، ا، شهنار، ع. ۱۳۹۳. تحلیل کیفیت زندگی در دو بافت قدیم و جدید شهر مراغه با بهره گیری از مدل های آنتروپی و الکترو. فصلنامه آمایش محیط، سال ششم. شماره ۲۶. ۱-۱۸.

- ۱۲- فرجی‌ملائی، ا.، عظیمی، آ.، زیاری، ک. ۱۳۸۹. تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. سال اول. شماره دوم. ۱-۱۶.
- ۱۳- گروسی، س.، نقوی، ع. ۱۳۸۸. سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال هشتم. شماره ۳۰-۳۱. ۶۱-۸۲.
- ۱۴- مرصوص، ن. ۱۳۸۲. تحلیل عدالت فضایی در شهر تهران. رساله‌ی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۱۵- موحده، م.، حسین‌زاده کاسمانی، م. ۱۳۹۱. رابطه‌ی اختلال هویت جنسیتی با کیفیت زندگی. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال دوازدهم. شماره ۴۴. ۱۱۱-۱۴۲.
- 16- Allen, J. C., Vogt, R. J., & Cordes, S. 2002. Quality of Life in Rural Nebraska: Trends and Changes. Publications from the Center for Applied Rural Innovation (CARI), 5.
- 17- Bonaiuto, M., Fornara, F., Bonnes, M. 2003. Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighborhood Attachment in Urban Environments, a Confirmation Study on the City of Rome, Landscape and Urban Planning, No 65.
- 18- Collados, C. and Duane, T. 1999. Analysis Natural Capital Quality of Life: A Model for Evaluating the Sustainability of Alternative Regional Development Paths, Ecological 30 .1999. 441-460.
- 19- Das, D. 2008. Urban quality of life: A case study of Guwahati. Social Indicators Research, 88(2), 297-310.
- 20- El Din, H.S., Shalaby, A., Farouh, H. E., Elariane, S. A, 2013, Principles of urban quality of life for a neighborhood, Housing and Building National Research Center (HBRC), No 9, pp 86-92.
- 21- Foo, T.S, 2005, Subjective Assessment of Urban Quality of life in Singapore .1997-1998. Habitat International, Vol. 24, No. 1, pp 31-49.
- 22- Geelen, M.J., Huijbregts, M., den Hollander, Ragas, A., van Jaarsveld, H.A., de Zwart, D, 2009, Confronting environmental pressure, environmental quality and human health impact indicators of priority air emissions, Atmospheric Environment, No 43, pp 1613-1621.
- 23- Godefroid, S. 2001. Temporal analysis of the Brussels Pora as indicator for changing environmental quality, Landscape and Urban Planning, No 52
- 24- Habib, R.R., Mahfoud, Z., Fawaz, M., Basma, S.H., Yeretjian, J.S. 2009. Housing quality and ill health in a disadvantaged urban community, Public Health, No 123, pp174-181.

- 25- Kamp I.V., Leidelmeijer. K., Marsman. G. and Hollander. A., 2003, Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts, a Literature Study. *Landscape and Urban Planning*,
- 26- Lee, Y. J. (2008). Subjective quality of life measurement in Taipei. *Building and Environment*, 43(7), 1205-1215.
- 27- Li, G. and Weng, Q., 2007, Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration of remote sensing and census data, *International Journal of Remote Sensing*, 28(2).
- 28- Morais. P., Camanho, Ana, 2011, Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements, *Omega*, No 39,
- 29- Moro, M., Brereton, F., Ferreira, S., Clinch, J.P, 2008, Ranking Quality of Life Using Subjective Well-being data, *Ecological Economics*, Vol. 65, No. 3,
- 30- Pal, A. K., & Kumar, U. C. 2005. Quality of Life (QoL) concept for the evaluation of societal development of rural community in West Bangal, India. *Asia-Pacific Journal of Rural Development*, 15(2), 83-93.
- 31- Phillips, D. 2006. *Quality of life: Concept, policy and practice*. Routledge.
- 32- Raphael, D., Renwick, R., Brown, I., & Rootman, I. 1996. Quality of life indicators and health: current status and emerging conceptions. 39(1), 65-88.
- 33- Ryashchenko, S.V., Gukalova, I.V, 2010, Public health in the system of regional indicators of the quality of life in Russia and Ukraine, *Geography and Natural Resources*, No 31, pp 11–17.
- 34- Wang, B., Li, X., Stanton, B., Fang, X., 2010, The influence of social stigma and discriminatory experience on psychological distress and quality of life among rural-to urban migrants in China, *Social Science & Medicine* xxx,
- 35- Westaway, M, 2006, A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto, *Habitat International*, No 30, 175–189.
- 36- Whitehead, T., Simmonds, D., Preston. J, 2006, the effect of urban quality improvements on economic activity, *Journal of Environmental Management*,
- 37- Wish, N.B, 1986, Are we really measuring the quality of life? Well-being has subjective dimensions, as well as objective ones, *American Journal of Economics and Sociology*, Vol 45, No 1, pp 93–9.
- 38- Wong, C, 2001, the Relationship between Quality of Life and Local Economic Development: An Empirical Study of Local Authority Areas in England, *Cities*, Vol. 18, No. 1. 25–32.